

توقیف املاک خبرنگار اینترنت‌شنال

مستندات املاک‌شناسایی‌شده‌فیروزه‌جابانی خبرنگار رسانه‌صهیونیستی‌فارسی‌زبان اینترنت‌شنال که با دستور قضایی به نفع مردم توقیف شده است، منتشر شد. یکی از این خائنان وطن که با حضور در شبکه اسرائیلی ایران اینترنت‌شنال، در راستای اهداف دشمن صهیونی در تجاوز به‌کشور نقش فعال داشته، فیروزه‌جابانی است.
باپیگیری‌ها و استعلامات صورت‌گرفته، دو واحد از یک آپارتمان درحال ساخت متعلق به خبرنگار اینترنت‌شنال که تلاش برای اخفای آن کرده بود، شناسایی و به دستور قضایی به نفع مردم توقیف شده است.
روند صدور دستور قضایی در مورد ضبط و توقیف اموال مرتبط باافرادی که به وطن و مردم خیانت‌کرده‌اند، پس ازانجام کار دقیق شناسایی واطلاعاتی ادامه دارد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید



متن کامل

اعدام تروریست آموزش دیده گروهک انصارالفرقان

حکم اعدام عبدالجلیل شهبخش‌فرزند جلال، عنصر آموزش دیده گروهک تروریستی انصارالفرقان سحرگاه دیروز اجرا شد. در پی بازداشت عبدالجلیل شهبخش در جریان اقدامات ضدتروریستی در شرق کشور، پرونده‌ای علیه وی تشکیل و دادسرا او را با عناوین اتهامی بغی از طریق حمله مسلحانه به مقرهای انتظامی و عضویت در گروه باغی انصارالفرقان به دادگاه انقلاب معرفی کرد. پس از بررسی دقیق پرونده در مراحل دادسرا و دادگاه و وجود مدارک و مستندات متقن استخراج شده از وسایل ارتباطی و فایل‌های صوتی متهم و همچنین اقراریر صریح وی در مراحل مختلف بازجویی و بازپرسی؛ سرانجام با تأیید حکم وی در دیوان عالی کشور، این عنصر تروریست بامداد دیروز اعدام شد.



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید



مشاور مرگ پای چوبه‌دار

پرونده ناپدید شدن پسر ۲۴ساله که بار خون گلوله در خانه یک مشاور خانواده وارد مرحله جنایی شده بود، با تأیید حکم قصاص قاتل در دیوان عالی کشور

به پایان خود نزدیک شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به پرونده ناپدید شدن پسر ۲۴ساله‌ای به‌نام سامان از دو سال قبل در تهران آغاز شد. خانواده او با مراجعه به پلیس آگاهی اعلام کردند فرزندشان به‌تنهایی زندگی می‌کرده و میان آنها اختلافاتی وجود داشته است. آنها ادامه گفتند که بیشتر به‌دلیل برخی رفتارهای سامان از او شکایت کرده بودند و در جریان همان مراجعه، با فردی آشنا شده‌اند که خود را مشاور خانواده معرفی کرده و مدعی بوده می‌تواند اختلاف میان آنها را حل کند.

خانواده سامان همچنین اظهار کردند: چند روز پیش از طرح شکایت، فرزندشان به‌طور مشکوکی ناپدید شده است. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد سامان آخرین بار با دوستش فرشاد و مرد مشاور تماس گرفته. با کشف این سرخن سراغ فرشاد رفتند که او به مأموران گفت آخرین بار سامان به خانه‌ام آمد و قرار بود بعد سراغ مرد مشاور (بابک) برود. فرشاد از مدتی قبل نسبت به رفتارهای بابک تردید داشت و به سامان توصیه کرده بود این ارتباط را قطع کند اما او توجه نکرد.

با توجه به این اظهارات، تحقیقات روی بابک متمرکز شد. در همین حین، وی با خانواده سامان تماس گرفت و اعلام کرد دسته کلید و ریموت درب خانه سامان نزد اوست و از آنها خواست برای تحویل گرفتن آنها به خانه‌اش مراجعه کنند. خانواده سامان با گرفتن دسته کلید به پلیس آگاهی رفتند و گفتند این کلیدها متعلق به پسرشان نیست. از سوی دیگر خودروی سامان هم در پارکینگ خانه بابک است. این موضوع، ظن کارآگاهان را نسبت به مشاور افزایش داد.

با یک در ادامه با دستور قضایی بازداشت شد و در بازجویی‌های اولیه اتهام قتل را رد کرد. او عنوان کرد سامان قصد فروش خودرو را داشته و برای بررسی آن به خانه‌اش مراجعه کرده اما معامله‌ای

انجام نشده و خودرو در همان محل باقی مانده است.

وی او عا کرد: برای کمک به سامان با او مصمیی شدم اما او به این اعتماد خیانت کرد و آخرین بار جعبه طلاها را که ۹۰گرم طلا در آن بود سرقت کرد و آن قدر عجله داشت که کلیدهایش را جا گذاشت. با این حال وقتی مأموران خانه بابک را بررسی کردند، متوجه شدند رد گلوله روی یکی از دیوارها وجود دارد که بابک آن را با کاغذ دیواری پوشانده است. همچنین لکه‌های خون شسته شده با محلولی اسیدی در دستشویی و حمام پیدا شد.

با ادامه تحقیقات، متهم در نهایت به ارتکاب قتل اعتراف کرد و گفت: برای محافظت از خودم اسلحه کلتی داشتم و روز حادثه



نمی‌دانستم گلوله‌ای داخل اسلحه است. به شوخی آن را روبه‌روی سامان گرفتم و وقتی ماشه را چکاندم، گلوله‌اش به سامان اصابت کرد. سعی کردم او را احیا کنم اما وقتی موفق نشدم، جسدش را منته و در اطراف قم‌رها کردم. پس از این اعترافات، مأموران به محل‌های اعلام‌شده مراجعه کردند اما اثری از جسد به‌دست نیامد.

بابک در ادامه رسیدگی‌ها اعترافات خود را پس گرفت و اعلام کرد تحت فشار بازجویی به قتل اعتراف کرده است.

پرونده پس از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و بابک در شعبه هشتم پای میز محاکمه رفت. در این جلسه اولیای دم خواستار قصاص شدند و متهم نیز اتهام قتل را نپذیرفت. در نهایت، دادگاه با توجه به محتویات پرونده، حکم قصاص صادر کرد.

با اعتراض متهم و وکیل او، پرونده به دیوان عالی کشور ارجاع شد. دیوان عالی کشور با توجه به پیدا نشدن پیکر مقتول و انکار متهم، رأی را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه باگرداند.

در رسیدگی دوباره، متهم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک بار دیگر اتهام قتل را رد کرد و گفت آخرین بار سامان برای فروش خودرو به خانه او مراجعه کرده و پس از انجام معامله محل را ترک کرده است. سامان زنده است و اگر آزادش کنند، می‌تواند او را پیدا کند و به دادگاه تحویل دهد.

او درباره این‌که اگر مرتکب قتل نشده، پس چرا رنگ خون و جای گلوله چرادر خانه‌اش بود، پاسخ قانع‌کننده‌ای نداد.

در این جلسه، اولیای دم یک‌بار دیگر درخواست قصاص کردند و گفتند: بابک به‌واسطه شغلش، قدرت و اعتبار زیادی داشت. برای همین به او پناه بردیم، ما با پسرمان اختلاف داشتیم. بابک گفت او را کنترل می‌کند اما پسرمان را کشت و حالا درخواست قصاص داریم.

در پایان جلسه و پس از دفاعیات طرفین، قضات دادگاه برای صدور رأی وارد شور شدند و در نهایت مجدداً حکم قصاص را صادر کردند. این بار حکم قصاص در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد تا بابک در یک قدمی چوبه دار قرار بگیرد.

فرجام تلخ یک دوستی ممنوعه



درگیری بر سر دوستی میان یک پسر ۱۸ساله و دختر جوان به جنایی‌ی خونین در غرب تهران انجامید و برادر دختر مقابل خانه‌اش با چاقو کشته شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماجرا دو سال قبل و از زمانی آغاز شد که گزارش یک درگیری خونین به مرکز فوریت‌های پلیسی اعلام شد و بلافاصله مأموران و تیم جنایی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند.

در بررسی‌های اولیه مشخص شد مرد جوانی مقابل خانه‌اش بر اثر اصابت ضربه چاقو به‌شدت مجروح شده و جان خود را از دست داده است. شواهد اولیه در صحنه حادثه نشان

می‌داد درگیری در همان محل رخ داده و قاتل پس از ارتکاب جرم از محل متواری شده است.

تحقیقات تخصصی کارآگاهان در ادامه منجر به شناسایی عامل جنایت شد. متهم پسر

۱۸ساله‌ای به نام سهراب بود که تحقیقات نشان می‌داد مدتی با خواهر مقتول در ارتباط بوده است. این رابطه پس از اطلاع خانواده دختر با مخالفت جدی آنها روبه‌رو شد و از سهراب خواستند به این ارتباط پایان دهد اما او توجهی نکرد. ادامه این اختلافات خانوادگی، تنش میان طرفین را افزایش داد و در نهایت زمینه‌ساز حادثه‌ای مرگبار شد.

پس از شناسایی هویت متهم، مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و زیر نظر گرفتن محل‌هایی که احتمال حضور وی در آنجا وجود داشت موفق شدند او را شناسایی و بازداشت کنند. سهراب پس از دستگیری و انتقال به پلیس آگاهی، در جریان بازجویی‌ها به درگیری مرگبار اعتراف کرد و جزئیات حادثه را در جریان بازسازی صحنه قتل شرح داد.

با تکمیل تحقیقات مقدماتی، جمع‌آوری ادله و صدور کیفرخواست از سوی دادسرا، پرونده برای رسیدگی به شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه محاکمه، ابتدا اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و با بیان خواسته خود، حکم قصاص را برای متهم درخواست کردند. آنها تأکید داشتند که فرزندشان بدون هیچ توجیهی قربانی یک درگیری خیابانی شده است.

در ادامه، متهم در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: پدر من و مقتول سال‌ها با هم رابطه دوستانه داشتند و رفت‌وآمد خانوادگی میان ما موجود داشت. در همین رفت‌وآمد ما به خواهر مقتول علاقه‌مند شدم اما خانواده آنها با این ارتباط مخالفت کردند.

او ادامه داد: چند روز قبل از حادثه، برادر مقتول مردار خیابان دید و بین‌مان درگیری لفظی و فیزیکی رخ داد. روز حادثه نیز با من تماس گرفتند و خواستند برای صحبت مقابل خانه‌شان بروم. وقتی به آنجا رسیدم، پسر بزرگ خانواده با قمه به‌سمتم حمله کرد و به خودرویم آسیب زد. در شرایطی که

ترسیده بودم و تحت فشار بودم، برایش چاقو کشیدم و به او ضربه زدم.

این اظهارات با واکنش اولیای دم روبه‌رو شد و آنها ضمن رد کامل ادعای متهم، اعلام کردند هیچ‌گونه تماس یا دعوتی از سوی آنها برای حضور متهم مقابل خانه گرفته نشده است.

پس از پایان جلسه و ارائه دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات دادگاه برای بررسی نهایی ادله و صدور رأی وارد شور شدند.

پایان خوش ۱۰سال برزخ مرگ وزندگی



مردی که بابت تصاحب سه دانگ گاراژ صاحبخانه‌اش او را کشته و ۱۰ سال زیر حکم قصاص بود، سرانجام از سوی فرزند مقتول بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ششم اردیبهشت سال ۱۳۹۵ همزمان با شکایت مردی مبنی بر گرم شدن برادر میانسالش در دستور کار پلیس جنایی پایتخت قرار گرفت. معلوم شد برادرش از وضع مالی خوبی برخوردار بوده و مالک یک گاراژ در غرب تهران است. آخرین بار نیز برای سرکشی به گاراژ از خانه خارج شده اما دیگر برنگشته بود.

مستاجر این مرد به اداره آگاهی احضار و مدعی شد که صاحب گاراژ نزدش آمده و خواسته پژو ۲۶ او را به زنی غریبه در اکباتان تحویل

دهد. در ادامه تحقیقات، خودروی بدون سرشنش مرد میانسال در محله اکباتان کشف شد. از سوی دیگر مشخص شد، سه دانگ گاراژ مرد گمشده بدون اطلاع خانواده‌اش به مرد مستاجر منتقل شده است. بنابراین این مرد دوباره احضار و این بار مدعی شد که صاحب گاراژ به او سه دانگ ملک را فروخته و بابت آن ۸۰۰ میلیون تومان لوازم بدگی گرفته است اما این مرد نتوانست مدارکی برای تأیید ادعای خود ارائه دهد که همین باعث شک پلیس به او و بازداشتش شد. متهم سرانجام اعتراف کرد صاحبخانه‌اش را به کمک دوستش کشته و جسد را در بیابان‌های روستایی در شهرستان ساوه دفن کرده‌اند.

همدست این مرد نیز بازداشت و جسد مرد میانسال کشف شد. مدتی بعد پرونده آنها با صدور جلب به دادرسی به شعبه ششم کیفری یک استان تهران ارسال شد. پسر مقتول برای قاتل پدرش درخواست قصاص کرد. محسن، متهم به قتل در جلسه محاکمه گفت: صاحب گاراژ وضع مالی خوبی داشت. من و دوستم دچار مشکلات مالی شدیم. ابتدا کلابردار تلغنی می‌کردیم اما در ادامه وسوسه شدیم سه دانگ از گاراژ صاحبخانه‌ام را تصاحب کنیم. به بهانه این‌که بخشی از آنجا نیاز به تعمیر دارد، او را به گاراژ دعوت کردم. وقتی آمد، دوستم به وی حمله‌رو شد و دست و پای او را با پارچه بست. با تهدید اقدام به گرفتن امضا و اثر انگشت بر روی قولنامه فروش سه دانگ گاراژ کردیم. دوستم می‌گفت اگر رهایش کنیم، ما را به پلیس لومی‌دهد و باید بمیرد. به او قرص دادم که نیمه‌جان شد. بعد به دهانش چسب زدم که بر اثر خفگی فوت کرد. جسد را در پراید همدستم انداخته و به بیابان‌های روستایی در شهرستان ساوه بردیم و در آنجا دفن کردیم.

در ادامه همدستش نیز گفته‌های او را تأیید کرد. محسن به اتهام قتل به قصاص و بابت کلابرداری و جعل سند به حبس و همدست قاتل نیز به اتهام معاونت در قتل به ۲۵ سال حبس محکوم شد. این حکم از سوی قضات شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد.

روحانی‌زاده، قاضی شعبه اول اجرای احکام دادرسی جنایی با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: مرد زندانی ۱۰ سال زیر حکم قصاص بلاتکلیف مانده بود و روز گذشته جلسه صلح و سازشی با پسر مقتول برگزار شد که او قاتل را به شرط پرداخت وجه‌المصالحه بخشید. مرد زندانی نیز این شرط را قبول کرد.

جام‌جم

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۲۰

تنگر

پرستار فداکار، ناجی شد

پرستار بیمارستان امام خمینی اردبیل فردی را که در دریاچه شهرک مغان دچار غرق‌شدگی شده بود نجات داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، شاهین بابایی پرستار بیمارستان امام خمینی اردبیل، فردی را که در دریاچه شهرک مغان دچار غرق‌شدگی شده بود نجات داد. این حادثه که خارج از ساعات کاری و در شرایطی غیرمنتظره رخ داد، بار دیگر روحیه مسئولیت‌پذیری و تعهد حرفه‌ای جامعه پرستاری را به نمایش گذاشت. او خارج از ساعات کاری با فردی مواجه شد که بر اثر غرق‌شدگی در وضعیت بحرانی قرار داشت و بلافاصله عملیات احیای قلبی و تنفسی را آغاز کرد. عملیات احیا بیش از نیم ساعت به طول انجامید و سرانجام علائم حیاتی فرد باگشت.

بخشی نامادری در قتل شبه‌عمد کودک

نامادری که اشتباهی با خوراندن شربت متادون، باعث مرگ پسر سه‌ساله شوهرش شده بود از سوی همسرش و مادر کودک بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بیست و چهارم بهمن سال ۱۴۰۲ زن و مرد جوانی، پسر سه‌ساله‌ای که بدحال بود را به بیمارستانی در جنوب تهران منتقل کردند اما باوجود تلاش پزشکان این کودک فوت کرد. پدر و نامادری‌اش گفتند او در خانه بدحال شده است. این در حالی بود که کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند بچه بر اثر مسمومیت با داروی متادون فوت کرده است.

مادر کودک فوت‌شده با اطلاع از این ماجرا از نامادری فرزندش به اتهام قتل عمد شکایت کرد و پرونده وارد مرحله جدیدی شد.

در ادامه تحقیقات پلیسی، معلوم شد نامادری تعدمی در مرگ این کودک نداشته است. بنابراین وی در برابر اتهام قتل شبه‌عمد قرار گرفت و با سپردن وثیقه، به طور موقت آزاد شد. با گذشت دو سال از این ماجرا، نامادری جوان چند روز پیش برای آخرین جلسه تحقیقات قضایی در شعبه دوم بازپرسی دادرسی جنایی تهران حضور یافت و در اظهاراتش گفت: یک بار طلاق گرفتم و پدر کودک فوت‌شده شوهر دوم بود. علاقه زیادی به پسر سه‌ساله داشتم و از او نگهداری می‌کردم. شوهرم تصادف کرده و برای کاهش درد پاهایش شربت متادون مصرف می‌کرد. من اطلاعات پزشکی نداشتم و تصور می‌کردم اگر فرد دیگری هم درد داشته باشد و شربت متادون مصرف کند، دردش کم می‌شود. پسر کوچولو چند روزی بود بی‌تابی می‌کرد و پولی نداشتم او را دکتر ببریم. به همین خاطر به او کمی شربت متادون دادم که خوابش برد. گمان کردم حالش خوب می‌شود اما ساعاتی بعد که شوهرم آمد، فهمیدیم بی‌حال است. او را به بیمارستان رساندیم اما فوت کرد.

این در حالی بود که والدین مقتول وقتی متوجه شدند طبق تحقیقات این زن اشتباهی باعث مرگ کودک شده به دادسرا آمدند. پدر کودک، همسرش را بخشید و مادر کودک نیز او را بخشید ولی درخواست دیه کرد.

رضا انانی، بازپرس شعبه دوم دادرسی جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: نامادری با وثیقه به طور موقت آزاد است. پرونده نیز با صدور جلب به دادرسی به اتهام قتل شبه‌عمد به زودی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال خواهد شد.

مادری قربانی اختلاف خانوادگی

مرد میانسال که در پی اختلاف خانوادگی مادر خود را به قتل رسانده بود بازداشت شد.

به گزارش سایت پلیس، در پی وقوع یک فقره درگیری خانوادگی در یکی از روستاهای بخش نظرکهریزی شهرستان هشتروند که به قتل یک مادر ۷۰ساله انجامید، تحقیقات پلیسی آغاز شد. در جریان تحقیقات معلوم شد پسر ۴۹ساله مقتول با ضربات چوبدستی مادر خود را به‌شدت مجروح کرده که وی به‌دلیل شدت جراحات وارده فوت کرده است. قاتل پس از ارتکاب جرم در محل متواری و مخفی شده بود. متهم تحت تعقیب بود که سرانجام در مخفیگاهش بازداشت شد. او به قتل مادرش اعتراف کرد و انگیزه خود را مشاجر لفظی و اختلافات خانوادگی عنوان کرد.